

## نتایج سفر محمد خاتمی، محاکمه عبدالله نوری کدام هدفها را دنبال می‌کند؟

### ارژنگ بامشاد

از زمانی که نگونام دادستان ویژه روحانیت کیفرخواست ۴۴صفحه‌ای خود علیه عبدالله نوری را اعلام کرد و دادگاه ویژه روحانیت محاکمه او را در دستور قرار داد، این سوال کلیدی مطرح بود که چرا می‌خواهند عبدالله نوری را محاکمه کنند و سرنوشت این دادگاه چه خواهد بود؟ حال با آغاز دادگاه عبدالله نوری در روز شنبه ۸ آبان ماه ۷۸ و ادامه آن در روز دوشنبه، می‌توان به بررسی اهداف این محاکمه و بازتاب‌های سیاسی آن پرداخت.

محاکمه عبدالله نوری را در گام نخست باید تلاشی از سوی جناح حاکم برای ساکت کردن آن بخش از روحانیون دانست که با تفسیر رسمی حاکمان کنونی از دین و ولایت مخالف هستند. محاکمه عبدالله نوری از این زاویه، هم‌سنخ محاکمه محسن کدیور و موسوی خوئینی‌هاست. و با همان دلالی صورت می‌گیرد که بازداشت خانگی حسین علی منتظری همچنان پایرجاست. اکنون دادگاه ویژه روحانیت بازرسی سرکوب این بخش از روحانیون شده است. وقتی علی‌خامنه‌ای در چند ماه پیش غلام حسین محسنی‌اژه‌ای را به ریاست آن منصوب کرد، برای بسیاری روشن شد که دوران برخورد خشن تر و سرکوب‌گرانه‌تر با روحانیونی که تفسیر

سنگ دلانه نسبت به زنان را سازمان داده است که حجاب اجباری مظهر گویای آن است. اخیراً یکی از دادگاه‌های تهران زنی سی‌وسه ساله را به جرم "زنا" به سنگسار محکوم کرده است.

... روشنفکران را طرد و تعقیب می‌کند؛ یک سال پس از قتل‌های زنجیره‌ای اهل قلم و سیاست به وسیله کارمندان وزارت اطلاعات، دولت اسلامی از اشکای هويت آمران و هاملان این قتل‌ها خودداری می‌کند.

آزادی بیان را زیر پا می‌گذارد؛ هر نوع اندیشه‌ی غیرمذهبی از دخالت در بحث سیاسی ممنوع است.

بقیه در صفحه ۲

## کارگران و زحمت‌کشان

در صفحات ۳ و ۴

### حسن آبکناری

سراجم پس از هشت ماه اما و اگر و کوشش‌های دیپلماتیک، دولت فرانسه و دولت جمهوری اسلامی به کام خود رسیدند! رئیس "جمهور" رژیم ولایت فقیه، صبح چهارشنبه ۲۷ اکتبر ۹۹ وارد پاریس شده و بعدازظهر روز جمعه ۲۹ اکتبر به تهران بازگشت.

این سفر و نتایج آن زوایای بسیاری در بر دارد که بازبینی همه‌ی آن‌ها در مجال مقاله کوتاه حاضر نیست. در این جا فهرست‌وار به فرازهایی از آن‌ها نظر می‌اندازیم.

این سفر پیش از همه و البته مثل همیشه نشان داد که دولت فرانسه و سایر دول غربی، حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی را تا آن جا پی می‌گیرند که بتواند "منافع ملی و اقتصادی" آن‌ها را تأمین کند. در واقع حقوق بشر اهرم فشاری است تا به اتکای آن دولت‌های متروپل سرمایه‌داری بتوانند کشورهای پیرامونی سرمایه‌داری را به مصرف کنندگان بی‌فیدوش شرط گالاهای خود تبدیل کنند. بستن قراردادهای کلان و غارت منابع مادی و نیروی انسانی، مضمون اصلی سیاست گفتگوهای انتقادی آن‌هاست. با ارتجاعی‌ترین و زنده‌مورکراتیک‌ترین دولت‌ها.

وقتی پای تولیدکنندگان و انصارات یعنی صاحبان اصلی کشورهای متروپل در میان است، دول غربی می‌کوشند با هر نوع دلیل‌تراشی و فریب افکار عمومی خودی، سوداگری‌های شان را به قیمت نفی عملی ارزش‌های حقوق بشری در پوشش باصطلاح "منافع ملی" توجیه کنند!

دولت فرانسه، خاتمی را به عنوان نماد یک رژیم ارتجاعی و ورشکسته اقتصادی که هفتاد میلیون مصرف کننده را در چنبره‌ی خود دارد و از لحاظ ژئوپلیتیک، پلی است برای جذب مصرف کنندگان بی‌شمار کشورهای خلیج فارس و آسیای میانه، با چنان هیاهوی امنیتی به پاریس پذیرفت که در چند دهه گذشته کم سابقه بوده است. مرزهای زمینی و هوایی و دریایی‌اش را بر خلاف قرارداد "شنگن" بست تا از ورود مخالفان جلوگیری کند. پاریس را فرق نیروهای امنیتی و پلیسی مخفی کرد، بگیر و ببند تبلیغاتی... برای دادن اطمینان به مهمان... راه انداخت. رادیو و تلویزیون‌ها را برای انعکاس حضور مخالفان مهار کرد و ... تا سید خندان را در همان بدو ورود، پشت میز امنای قراردادهای چند میلیارد فرانکی بنشانند.

دولت سوسیالیست، به ویژه وزیر کشورش که مدعی مخالفت با تروریسم و مدافع حقوق بشر است، در همکاری تنگناک با رئیس جمهور دست راستی، همکاری را برای هموار کردن این دیدار به عمل آورد. از جمله آزادی مجتبی مهدی ترورست اسلامی را به عنوان هسديه‌ای به رئیس جمهور ایران بقیه در صفحه ۲

## نامه ۲۵ تن از شخصیت‌های علمی، ادبی و مدافع حقوق بشر فرانسوی در اعتراض به سفر خاتمی

ما به خود اجازه می‌دهیم تا یادآور شویم که رژیم خداسالاری که آقای خاتمی رئیس جمهور آن است،

... جنبش‌های اجتماعی را سرکوب می‌کند؛ زندان‌های کشور همچنان مملو از مدعا دانشجویی است که در پی تظاهرات ژوئیه گذشته دستگیر شده‌اند. چهار تن از ایشان به اعدام محکوم شده‌اند.

... زنان را سرکوب می‌کند؛ قوانین موجود رفتاری تحقیرآمیز و

## دنیاله از صفحه ۱ نتایج سفر محمد خاتمی ....

پیشکش کرد. قبلاً هم دولت فرانسه گرجی و اینس نقاش را تقدیم کرده بود!

با وجود اعتراض سبزه‌ها، و احزاب کوچک ترقی خواه، وزیر کشور سوسیالیست فرانسه کار بگیر و ببند حکومت نظامی خود را تا خروج هممان ادامه داد.

این سفر به نوبه‌ی خود نه فقط سیمای بی‌اعتنا به حقوق بشر سرمایه‌داری در فرانسه، که چهره ریاکار سوسیال دموکراسی آن را نیز بیش از پیش برملا کرده است.

اما سفر سیدخندان تنها نشان نداده است که دولت‌ها آن‌جا که منافع اقتصادی‌شان در میان است، حقوق بشر را زیر پا له می‌کنند، سیمای سازمان جهانی یونسکو و نقش جاده صاف کنی آن در خدمت دولت‌های غربی هم آفتابی شده است. این سازمان جهانی که در منشور خود «احترام به عدالت، قانون، حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای برای همه و بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، زبان، مذهب ...» را جزئی از پرنسب و علت وجودی خود اعلام کرده است، آشکارا به عنوان سرپل دیدار خاتمی با کارفرمایان فرانسوی، سالن سخنرانی‌اش را برای خطابه رئیس جمهور رژیم ضد عدالت، ضد قانون، ضد حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای و انسان ستیز، تزئین می‌کند. نقش یکی از معاونین یونسکو احسان نراقی دلال پیر سال حسن رابطه شاه و شیخ با دول غربی در این ساخت و پاخت سیاسی با پوشش فرهنگی، به هیچ وجه به سیاست ضدفرهنگی و ضد حقوق بشری اقدام اخیر یونسکو سایه نمی‌افکند. و این حادثه یک بار دیگر نشان داده است مجامعی از این دست حداقل تا زمانی که موجودیتشان و بودجه‌شان متکی به دولت‌هاست، ظرفیت کافی دارند که به ابزار همان دولت‌ها و سرمایه‌داری جهانی تبدیل شوند و همه‌ی ارزش‌های مورد ادعای خود را قربانی کنند.

در رابطه با اپوزیسیون خارج از کشور هم این سفر نتایجی در بر داشته که در هر شکلش جای تأمل دارد.

فیل هوا کردن اعتراضی فرقه مجاهدین که با ساز و برگ یک میلیون فرانکی و با شعار ایران-رجوی، رجوی-ایران به میدان آمده بودند، از این زاویه بیشتر توجه را جلب می‌کرد که آن‌ها با پشت کردن به جنبش توده‌ای و بدون اعتنا به خواست آنان مبنی بر استقرار یک حکومت لائیک و غیرمذهبی، ولی فقیه تازه‌ای را کاریکاتوروار تبلیغ می‌کردند! آن‌ها در تمام این سه روز، استقرار یک حکومت مذهبی ارتجاعی اسلامی در گیومه دموکراتیک به رهبری رجوی را به جای حاکمیت مذهبی ارتجاعی مستقر در ایران تبلیغ می‌کردند!

در مقابل این فرقه پر هیاهو که دولت فرانسه هم با بازداشت چند ساعتی چند نفرشان، آن‌ها را روی آتن‌ها برده بود، شادمانی استحاله‌چی‌های جفت و تاق که این سفر «پربرت» را پیروزی و موفقیت خود قلمداد می‌کردند، نمایشی را به وجود می‌آورد که مضمون آن دهن کجی به اکثریت مردمی بود که اساساً نظام جمهوری اسلامی را در هیچ شکل آن نمی‌خواهند و تجربه بیست سال حاکمیت سیاه رژیم اسلامی برای‌شان کافی است که دیگر گرد هیچ حکومت مذهبی بد و خوب نگردند!

اما آن‌چه بیش از همه این سفر را در رابطه با اپوزیسیون خارج از کشور برجسته کرد، حضور بخشی از دموکرات‌های در گیومه بود که دو دوزه بازانه می‌کوشیدند هم خرما داشته باشند، هم خدا را! آن‌ها با چهره‌های حق به جانب، مخالف اعتراض به سفسر خاتمی بودند. به نظر آن‌ها اولاً- خروج نظام اسلامی از

انزوی بین‌المللی، امکان فشار دول خارجی را در رابطه با حقوق بشر بر این رژیم بیشتر می‌کند. ثانیاً- این اعتراض از آن‌جا که همسوئی عملی با مجاهدین است، مردود است و اعتراض خیابانی را بایکوت کردند!

این حضرات که در بین‌شان کسانی هم بودند که در گذشته با استدلال‌هایی از همین دست، سیاست اتحاد-مبارزه با رژیم اسلامی را پشه کرده بودند، امروزه بین صف اپوزیسیون رادیکال و براندازی و محافظه‌کاران استحاله‌طلب سرگرداندند.

آن‌ها به عمد این حقایق را نادیده گرفتند که سفر خاتمی نه حتی به عنوان نماینده جناح اصلاح‌طلب، که بعنوان نماد کل رژیمی صورت گرفت که در بیست سال حاکمیتش از کله‌های آزادی‌خواهان مناره ساخته و استبداد فراگیرش دمار از روزگار اکثریت مردم درآورده است. و ماهیت این سفر هم به‌طور مشخص نه فشار دول غربی به دفاع از حقوق بشر و تأمین آزادی در ایران بلکه بستن قراردادهای چند میلیارد فرانکی است و بستر مناسبی است برای به چنگ آوردن بازار هفتاد میلیونی مردم ایران. و بالاخره گفتگوی احتمالی این دول بر سر حقوق بشر محتملی است بر این سوداگری غارت‌گرانه.

بنابراین اعتراض علیه سفر خاتمی تنها افشای ماهیت انسان ستیزانه این نظام در انتظار مردم جهان نیست، که اعتراضی است بنیانی به غرب و دولت‌مردانش که آشکارا حقوق بشر را وجه‌المصلحه معاملات خود قرار داده‌اند و با مشروعیت بخشیدن به این نظام، به مردم به جان آمده ما دهن کجی می‌کنند!

مخالفت با اعتراض خیابانی به بهانه همسوئی با مجاهدین هم از آن سخنان مردم فریبانه و مضحک است. بر اساس این استدلال حضرات، پس باید گفت چون نوهی رضاخان و آمریکا و هر نیروی ارتجاعی دیگر خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند، پس برای همسو نبودن با آن‌ها باید از مبارزه برای سرنگونی رژیم دست کشید! از آزادی و حقوق بشر نباید دفاع کرد، زیرا گرایش‌ها ضدآزادی و ضدحقوق بشر هم این ارزش‌های انسانی را دست‌آویز قرار می‌دهد!

اما حقیقت این است که این گرایش‌ها با بایکوت اعتراض خیابانی، عملاً میدان را برای تاخت‌وتاز و فیل هواکنی امثال مجاهدین باز گذاشته و نظام جمهوری اسلامی را با خالی کردن میدان اعتراض به سهم خود تقویت می‌کردند و عملاً با اتحاد از پهلو با جناحی از رژیم با نیروهایی از نوع جمهوری خواهان ملی همسو شدند.

با این همه شکاف در جبهه طرفداران دموکراسی و جدائی دین از دولت، مانع از آن نشد که نیروهای کمونیست و رادیکال اپوزیسیون، در هر جا که امکان یافتند به این سفر و اهداف ارتجاعی‌اش از جانب رژیم و دول غربی به اعتراض برخیزند. تا آن‌جا که ما خبر داریم در برلین، هامبورگ، گوتنبرگ، استکهلم، هلند، و تکورگ کانادا و به ویژه پاریس نیروهای چپ ساکت ننشستند. حضور اعتراضی آن‌ها رساندن فریاد مردمی بود که از دست این نظام به تنگ آمده‌اند، و فریادشان این مصلحه ضد حقوق بشری بین رژیم فرانسه و رژیم ایران را برملا کرد و توجه مردم ترقی‌خواه جهان را نسبت به بیدادی که در ایران می‌گذرد، جلب نمود.

اپوزیسیون آزادی‌خواه و چپ ضدنظام اسلامی ایران، با همه‌ی تنگناهایی که دولت فرانسه برای ورود آن‌ها به فرانسه برای اعلام اعتراض ایجاد کرده بود، و با بایکوت عملی ناپیگیران آزادی‌خواهی روبرو شده بود، نشان داد که با اعتماد به نفس و بدون تردید در صحنه مبارزه حضور دارد و نمی‌گذارد ترفندهای دول میزبان، فیل هواکنی‌های مجاهدین، سمپاشی‌های استحاله‌چیان و یاران تازه‌شان، باعث شود فریاد مردمی که از هر نوع حکومت دینی متفرند، که آزادی می‌خواهند، که عدالت اجتماعی می‌خواهند، خفه شود و فریادشان از زبان فرزندان در تبعیدشان بصورتی رسا بیان می‌شود.

## دنیاله از صفحه ۱ نامه ۲۵ شخصیت فرانسوی

'توقیف خودسرانه روزنامه‌ها و حبس و زندان روزنامه‌نویسان امری رایج است. نویسندگان نمایشنامه‌ای به اصطلاح کفرآمیز در خطر اعدام هستند.

\_ اقلیت‌های مذهبی را سرکوب می‌کند: بهائیان همچنان سرکوب می‌شوند. چندین کشیش مسیحی ربوده شدند و به قتل رسیدند. بیست شهروند ایرانی (از جمله سیزده تن از یهودیان) متهم به جاسوسی هستند. یک مقام قضائی ایران اعلام کرد که هم اکنون دلایل کافی برای محکومیت ایشان به اعدام در دست است.

\_ و مظهر یکی از دوره‌های خوین تاریخ معاصر است.

ما از مقامات فرانسوی می‌خواهیم که نظر آقای خاتمی را درباره این مسائل بخوانند و مسئولیت‌های ایشان را به عنوان رئیس جمهور یادآور شوند.

\_ دولت ایران باید حقوق شهروندان خود را آن‌چنان که در قراردادهای بین‌المللی تعریف شده است رعایت کند!

\_ دولت فرانسه باید شرط لازم گسترش روابط خود با ایران را رعایت حقوق شهروندان ایرانی به وسیله جمهوری اسلامی بداند.

از میان نخستین امضاءکنندگان:

لوران شوارتز (ریاضی‌دان برنده جایزه فیلدز)، پیر ژیل دو ژن (فیزیکدان، برنده جایزه نوبل)، کلود کهن تانوجی (فیزیکدان، برنده جایزه نوبل)، ژان پیر ورنان (استاد کلژ دو فرانس)، پیرویدال ناکه (تاریخدان، استاد دانشگاه)، روبر وردیه (جامعه حقوق بشر فرانسه)، اتین بالیبار (فیلسوف، استاد دانشگاه)، فرانسواز رودنسکی (اس.او.اس آتانتا "انجمن ضد سوءقصد)، بوریس فرانکل (نویسنده، جامعه شناس)، نوئل مامر (نماینده "سبزه‌ها" در مجلس فرانسه)، ژوئل برونی-کوفمان (معاون جامعه حقوق بشر فرانسه)، کلود لیوزو (تاریخدان، استاد دانشگاه)، سیلوی ژان (رئیس فدراسیون دموکراتیک و بین‌المللی زنان)، ژولیت منس (نویسنده، جامعه شناس)، ژان پی یل (تاریخدان، استاد دانشگاه)، ژاک بیده (فیلسوف، استاد دانشگاه)، میکائل لووی (مدیر تحقیقات، مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه)، رولان لانتز (استاد دانشگاه پاریس ۱)، فرانسوا فورکه (استاد دانشگاه پاریس ۸)، ژرار دومنیل (مدیر تحقیقات، مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه)، نیکول ژونو (رئیس "خانه زنان" پاریس)، ریمون ماشول (هنرمند عکاس)، ژاک تکسیه (مدیر تحقیقات، مرکز تحقیقات علمی فرانسه)، گوستاس وروپولوس (استاد دانشگاه پاریس ۸)، ژیلبرواستان (سرمدیر مجله "مومان")،

\_ "فرانسه آزادی، بنیاد دانیل میتران" نیز این متن را امضاء کرده است.

این ترتیب دومین چهره ائتلاف «جبهه دوم خرداد» پس از خاتمی نخواهد توانست در مجلس آینده حضور یابد و امید این ائتلاف برای تکیه زدن او بر ریاست مجلس نقش بر آب خواهد شد. چنین وضعیتی می‌تواند ائتلاف «جبهه دوم خرداد» را با مشکلات جدی در جایگزینی او روبرو سازد و زمینه‌ی شکاف در میان آن‌ها را فراهم آورد. ثانیاً- با حذف عبدالله نوری راه برای مطرح شدن مجدد هاشمی رفسنجانی و شرکت او در انتخابات هموارتر خواهد شد. محافظه‌کاران تمامی تلاش خود را بکارگرفته‌اند تا هاشمی رفسنجانی را به حضور در انتخابات تشویق کنند. زیرا آن‌ها نیک می‌دانند که حضور هاشمی رفسنجانی در مجلس و تکیه زدن احتمالی بر جایگاه ریاست آن، می‌تواند بعنوان ترمزی عملی بر روند اصلاحاتی که خاتمی و جبهه دوم خرداد تأکید می‌کنند، عمل کند. هاشمی رفسنجانی همچنین بعنوان حلقه واسط و عاملی برای نزدیکی بیشتر با محافظه‌کاران، امکان شفاف‌تر شدن اختلافات را از میان می‌برد و راه را برای شکل‌گیری جریان میانه‌ی مدافع حاکمیت محافظه‌کاران و قدرت شخص ولی فقیه هموار می‌سازد.

هدف دیگر محاکمه عبدالله نوری بعنوان مدیرمسئول روزنامه «خرداد»، ادامه جریان سرکوب مطبوعاتی است که خارج از گرایش رهبر رژیم عمل می‌کنند. واقعیت این است که وجود روزنامه‌هایی همچون «خرداد»، «سلام» و یا «نشاط» به فضای مطبوعاتی و حداقل اطلاع‌رسانی کمک می‌کنند. از این‌رو محافظه‌کاران و تمامیت‌خواهان و بویژه شخص رهبر رژیم، حضور این مطبوعات را در شرایطی که جامعه در حالت انفجاری بسر می‌برد، مضر می‌دانند و برنامه‌ی حذف آن‌ها را در دستور قرار داده‌اند. اما تعطیل روزنامه‌هایی مثل «سلام» و «خرداد» اگر با محکومیت مدیران مسئولشان هم‌راه نباشد، می‌تواند باعث شود که آن‌ها روزنامه‌هایی با نام‌های دیگری منتشر نمایند. برای این‌که این احتمال نیز به حداقل برسد، تعطیل چنین روزنامه‌هایی با محکومیت مدیران مسئولشان از کارهای مطبوعاتی نیز هم‌راه خواهد بود. امری که در مورد موسوی خوئینی‌ها اجرا شد. و احتمال تکرار همان سناریو در رابطه با عبدالله نوری نیز بعید نیست. وجود چنین هدف‌هایی است که تمامیت‌خواهان را بر آن داشته که عواقب یک تنش سیاسی و یک بحران سراسری را بپذیرند و این محاکمه را با سرعت به جریان اندازند و اجازه ندهند موضوع به بعد از انتخابات مجلس ششم موکول شود. آن‌ها نیک می‌دانند که این محاکمه یکی از مهمترین محاکمات بیست‌سال گذشته‌ی حکومت اسلامی است. واقعیت این است که دادگاه عبدالله نوری در شرایطی برگسزار می‌شود که

می‌تواند عواقب گسترده و بازتاب وسیعی داشته باشد. این امر خود محصول چندین عامل است. اولین عامل، سیاستی است که عبدالله نوری در پیش گرفته است. او با درس‌گیری از سیاست منفعلانه‌ای که در جریان استیضاحش در پیش گرفت و با بررسی عواقب منفی سیاستی که موسوی خوئینی‌ها در قبال دادگاه ویژه روحانیت داشت، تصمیم گرفته است با قاطعیت از خود دفاع کند. اگر او بتواند بسیاری از ملاحظات را کنار بگذارد، دادگاه او ممکن است نه تنها به محاکمه تمامیت‌خواهان منجر شود، بلکه می‌تواند مردم را بیش از پیش نسبت به واقعیت نظام اسلامی آگاه سازد.

دومین عامل، دفاع بخشی از روحانیون از اوست. دفاع جلال‌الدین طاهری امام جمعه اصفهان، عباسی خراسانی و ۶۰ تن از مدرسین حوزه علمیه قم از عبدالله نوری، در عین حال اعتراضی است علیه سیاست سرکوب آن بخش از روحانیت که نمی‌خواهد تماماً طبق خط رهبر و در راستای تفسیر رسمی او و همراهانش از فقه و احکام حکومتی حرکت کند. آن‌ها با دفاع از عبدالله نوری از حق بیان خود دفاع می‌کنند و نیک می‌دانند خفه کردن عبدالله نوری در کنار حسین علی منتظری، محسن کدیور و موسوی خوئینی‌ها امکانات تنفسی‌شان را تنگ‌تر خواهد کرد.

سومین عامل، دفاع همه جانبه جبهه دوم خرداد از اوست. آن‌ها که بخوبی می‌دانند حذف عبدالله نوری با کدام هدف‌ها صورت می‌گیرد، تصمیم گرفته‌اند از کاندیدای اول خود دفاع کنند. زیرا اگر در این نبرد شکست بخورند، دیگر ساکت کردن چهره‌هایی همچون سعیدحجاریان و یا حذف چهره‌های کمتر شناخته شده، کار مشکلی نخواهد بود و سرنوشت انتخابات آتی همچون سرنوشت انتخابات مجلس خبرگان، از همین حالا رقم خورده است.

بر این اساس است که دادگاه عبدالله نوری، از اهمیت فوق‌العاده‌ای در نبرد دو جناح حکومتی برخوردار شده است و می‌تواند به یک بحران گسترده، پس از بحران ناشی از انتشار نمایشنامه «کنکور، وقت ظهور» منجر شود. این‌که تمامیت‌خواهان خواهند توانست به هدف‌های خود برسند و یا این‌که یک‌بار دیگر مجبور خواهند شد رسوایی یک ماجراجویی را به جان بخرند، به تحولات هفته‌های آتی بستگی خواهد داشت. اما حوادث به هر سویی که سیر کند، این دادگاه سند دیگری بر رسوائی دولت دینی و حکومت ایدئولوژیک خواهد افزود. و مردم بیش از پیش به عمق فساد و رسوائی دستگاه حکومتی ولایت فقیه پی خواهند برد. و با قاطعیت بیشتری به این نتیجه می‌رسند برای رهایی خود از ظلم و ستم مدون شده در قانون اساسی رژیم و بی‌پناهی و تبااهی‌ای که بر آن‌ها حاکم شده است، باید از سد این رژیم بگذرند.

## کارگران و زحمت‌کشان

### اعتراض انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره‌بار تهران و حومه

اعضای هیأت مدیره انجمن صنفی کارگران میادین میوه و تره‌بار تهران و حومه نسبت به بی‌توجهی به مشکلات فراوان کارگران شاغل در این میادین اعتراض کرده و می‌گویند: «تکلیف هزاران کارگر شاغل در میادین میوه و تره‌بار که مورد حمایت جدی هیچ دستگاهی قرار نمی‌گیرد، چیست؟» به گزارش روزنامه کار و کارگر ۱۷ مهرماه ۷۸، در شرایطی که دست کم ۶ هزار نفر کارگر در سطح ۱۳۶۰ حجره مستقر در میادین میوه و تره‌بار تهران و حومه (میدان بزرگ تهران) مشغول به کار هستند، علی‌رغم کار شبانه‌روزی و مستمرشان در ایام مختلف سال، از کمترین امکانات برخوردار هستند. یکی از اعضای هیأت مدیره انجمن در گفت و گو با روزنامه یاد شده، از نبود تأسیسات بهداشتی مناسب، مکان‌های ورزشی و فرهنگی، درمان‌گاه و مرکز درمانی، و هر آن چه که وجودش در مجتمع‌ای چون میدان بزرگ میوه و تره‌بار تهران لازم و ضروری است، سخن به میان آورده و می‌گوید: «در میدان میوه و تره‌بار تهران که هزاران کارگر شاغل هستند و هر لحظه ممکن است اتفاقی بیفتد، یک درمان‌گاه هم وجود ندارد؛ آیا این امر قابل قبول است؟» یکی دیگر از اعضای این انجمن به نبود سرویس‌های بهداشتی مناسب و به ویژه گرمابه در این میدان اشاره کرده و می‌گوید: «کارگرانی که صبح تا شام و نیمه‌های شب تا صبح یک‌سره کار می‌کنند و استراحت بر آنان حرام شده است، آیا حق ندارند که از سرویس مناسب بهداشتی و یک گرمابه مناسب بهره‌مند شوند؟ در میدانی که ساعات کار برای کارگران وجود ندارد و کارگر هر لحظه باید در حالت آماده‌باش به سر برد تا بار بارفرشان بر زمین نماند، وجود یک گرمابه لازم نیست؟ کارگرانی که هفته به هفته و شاید هفته‌ها به خاطر دوری از شهر تهران حمام نمی‌روند بوی گند بدن‌شان از چند متری دیگران را رنج می‌دهد. این مشکل در فصل گرم و طاقت فرسای تابستان بیش‌تر مشهود است». مسایل مربوط به بیمه و تأمین اجتماعی از دیگر موضوعاتی هستند که اکثر قریب به اتفاق کارگران میدان بزرگ تهران از مزایای آن محروم‌اند. به گفته‌ی اعضای هیأت مدیره انجمن، نود درصد کارگران این میدان در خصوص بیمه و سوابق بیمه‌ای‌شان دچار مشکلات بی‌شماری هستند. آن‌ها می‌گویند: علی‌رغم این‌که کارگران این میادین دارای سابقه کار طولانی هستند، اما سوابق کاری‌شان آن چنان که باید به طور واقعی در نزد سازمان تأمین اجتماعی ثبت نمی‌شود و کارگران در مواقع ضروری و هم چنین بازنشستگی با مشکلات فراوانی مواجه شده و می‌شوند. عدم ارائه لیست کارگران شاغل و نپرداختن حق بیمه آنان توسط کارفرمایان، از جمله دلایل عدم ثبت واقعی سوابق کاری کارگران است؛ بیشتر کارفرمایان و حجره‌داران میادین میوه ترجیح می‌دهند که در زمینه بهره‌مندی از مزایای بیمه، فرزندان و بستگان خود را در الویت قرار دهند. یکی دیگر از اعضای انجمن به تضییع مکرر حقوق کارگران اخراجی در هیأت‌های حل اختلاف اداره کار شهرستان ری اشاره کرده و می‌گوید: «نا زمانی که کارگری اخراج نشده، باید صبح تا شام در اختیار کارفرما باشد و وظائف محوله را انجام دهد و هیچ‌کس نمی‌گوید که چرا این همه از او کار می‌کشند و آیا حق واقعی کارگر توسط کارفرما پرداخت می‌شود یا خیر، و کارفرما ادعا می‌کند که کارگر دست مزدش را از طریق مشتریان تأمین می‌کند و او نباید حق و حقوق کارگر را پرداخت نماید. به عبارت دیگر، این کارگر حقوق بگیر کارفرما به شمار نمی‌آید!»

# کارگران و زحمت کشان

## گردهم آئی اعتراضی کارگران فراسا

کارگران شرکت فرآورده‌های ساختمانی «فراسا» روز سه شنبه ۴ آبان ۷۸ در اعتراض به تعطیل کارخانه و عدم دریافت ۷ ماه حقوق و مزایای خود، دست به یک تجمع اعتراضی در مملاهی این شهر زدند. ۸۷ درصد این کارخانه که ۷۰۰ نفر کارگر دارد، متعلق به بانک صنعت و معدن است. مدیر عامل این شرکت می‌گوید که شرکت «فراسا» بر اساس تصمیم سهامداران و به استناد ماده ۱۴۱ قانون تجارت باید منحل شود و پیش از انحلال کامل حق و حقوق کارگران پرداخت خواهد شد. معاون سیاسی و امنیتی فرمانداری ساوجبلاغ سهامداران این شرکت از جمله بانک صنعت و معدن را به بی‌تفاوتی در برابر سرنوشت کارگران متهم کرد.

## مسمومیت کارگران کارخانه آزمایش

۱۷۲ نفر از کارگران کارخانه آزمایش واقع در شرق تهران در پی مسمومیت غذایی راهی بیمارستان شدند. این عده در روز سه شنبه ۴ آبان ماه ۷۸ پس از صرف نهار (لوبیا پلو و سالاد)، دچار مسمومیت جزئی شدند ولی در صبح روز چهارشنبه که به سرکار خود بازگشتند نشانه‌های مسمومیت در آن‌ها شدیدتر شد. در پی اطلاع مسئولان کارخانه، تمامی مسموم‌شدگان بطور دسته جمعی به بیمارستان لوازمانی منتقل شدند. مسئول بخش داخلی بیمارستان گفت که ۱۷۱ نفر از مسمومان به صورت سرپایی و با دستور دارویی معالجه شدند و یک نفر برای ادامه مداوا در بیمارستان بستری گردید. در پی این مسمومیت دسته جمعی سه اکیپ بهداشتی از دانشگاه علوم پزشکی بهشتی، اداره تأمین اجتماعی و اداره کل کار و امور اجتماعی استان تهران پس از اطلاع از این رویداد به محل اعزام شدند و انبار مواد غذایی و رستوران کارخانه را تا زمان روشن شدن علت وقوع این حادثه پلمپ کردند. یکی از مسئولان کارخانه ضمن تأیید پلمپ شدن سالن غذاخوری و انبار کارخانه و عدم توضیح پیرامون علت این حادثه، موضوع مسمومیت کارگران را رد کرد و مدعی شد: «کارگران به علت بیماری‌های متفاوتی به بیمارستان اعزام شده‌اند و موضوع مسمومیت در کار نبوده است و اغلب این افراد دچار بیماری سرماخوردگی شده‌اند».

## تجمع اعتراضی کارگران لوله‌سازی اهواز

۲۱ مهر ماه ۷۸ (۱۴ اکتبر ۹۹)، ۳۵۰ نفر از کارگران کارخانه لوله‌سازی اهواز در اعتراض عدم پرداخت حقوق چهار ماه گذشته خود، در مقابل استانداری دست به تجمع زدند. گفتنی است که برخی از مسئولان استانداری و رئیس شورای شهر قصد سخنرانی در تجمع کارگران را داشتند، اما کارگران مانع از انجام آن شدند. کارگران لوله‌سازی اهواز تاکنون بارها به نبردختن به موقع حقوق خود اعتراض کرده‌اند و پیش از این نیز با انتشار نامه‌ای خواستار پرداخت کامل دست‌مزد معوقه خود شده بودند.

## ۵۴ درصد کارگران روزانه بیش از ۱۴ ساعت کار می‌کنند

علی‌رضا محبوب دبیرکل خانه کارگر، ۱۱ مهرماه ۷۸ طی سخنانی در شرکت چاپ تجارت؛ با اعلام این موضوع که ۵۴ درصد کارگران روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار می‌کنند، گفت: «اگر کارگران کم‌تر از این ساعات کار کنند، در بسیاری از

زمینه‌ها دچار مشکلات فراوان خواهند شد». (کار و کارگر، ۱۲ مهر ۷۸) وی به نقش رژیم اسلامی و تشکل‌های اسلامی و دولتی در ایجاد این شرایط تباهی‌آور برای طبقه کارگر ایران اشاره‌ای نکرد.

## اعتراض کارگران شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی

۱۸۰۰ نفر از کارگران شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی آبادان با ارسال نامه‌ای به محمد خاتمی، خواستار جلوگیری از سیاست اخراج تحت عنوان «طرح تعدیل نیروی انسانی» در این شرکت شدند. در این نامه آمده است: «کل کارکنان وزارت نفت ۱۴۰ هزار نفر است و طبق بخش‌نامه حدود ۴۰ هزار نفر از آن‌ها مشمول طرح تعدیل شده‌اند. اگر هدف دولت ایجاد اشتغال است، پس تعدیل نیروی انسانی چیست؟»

## تجمع اعتراضی نمایندگان مستمری‌بگیران و بازنشسته‌گان

دوشنبه ۱۲ مهرماه ۷۸ (۴ اکتبر ۹۹)، نمایندگان ۴۵ هزار مستمری‌بگیر و بازنشسته‌ی واحدهای تولیدی شهرستان‌های اسلام شهر، ری، ورامین و پاک‌دشت برای دومین روز متوالی برای دریافت حقوق معوقه خود، در مقابل اداره پست شهری تجمع کردند. این نمایندگان که تعداد آنان ۴۰۰ نفر بود، از صبح زود برای تعیین تکلیف خود، در مقابل اداره پست منطقه ۱۸ تجمع کردند. طبق مصوبه هیات دولت و توافقی که با سازمان تأمین اجتماعی شده است، از چند سال پیش توزیع حقوق مستمری‌بگیران و بازنشسته‌گان کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به شرکت پست واگذار شد.

## اخراج کارگران نساجی کردستان

بیش از ۱۳۰ نفر از کارگران کارخانه نساجی کردستان اخراج یا مجبور به استعفا و بازخرید شده‌اند. مدیریت این کارخانه، که متعلق به بنیاد مستضعفان و جانبازان است، به بهانه‌های واهی اقدام به اخراج کارگران کرده و در مواردی نیز به طرق مختلف، تعدادی از کارگران را وادار به استعفا یا بازخرید نموده است. و در مواردی که مراجع حل اختلاف، رای به بازگشت با کار کارگران اخراجی داده‌اند، مدیریت از اجرای آن خودداری کرده است و یا در صورت اجرای حکم، پس از چند روز مجدداً آنان را اخراج کرده است. تا کارگران اخراجی در روند رسیدگی به وضعیت‌شان خسته و فرسوده شوند و تن به بازخرید بدهند. در برخی از قسمت‌های این کارخانه مانند رسیدگی و بافندگی، به دلیل سرو صدا و گرد و غبار معلق در هوا که ناشی از فرسوده‌گی دستگاه‌هاست، کارگران دچار مشکلات ششوی و تنفسی شده‌اند و علی‌رغم توصیه‌های کتبی کمیسیون پزشکی نه تنها هیچ گونه توجه‌ای به این مسأله نشده است، بلکه توهین و ناسزا بار کارگران شده است. گفتنی است که شورای اسلامی این کارخانه با وجود تلاش فراوان برای هم‌کاری با مدیریت، از سوی مدیریت به رسمیت شناخته نشده است و مدیریت نه در جلسات شورا شرکت می‌کند و نه به آن‌ها اجازه شرکت در جلسات هیأت مدیره کارخانه را می‌دهد.

## تجمع اعتراضی کارگران رسیدگی سمنان

کارگران کارخانه رسیدگی سمنان در ادامه اعتراضات خود که خبر آن در تک‌برگی شماره گذشته آمده است، روز سه شنبه ۲۰ مهرماه ۷۸ (۱۲ اکتبر ۹۹)، در مقابل فرمانداری شهر تجمع کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. کارگران این کارخانه یک سال است که بیکار شده و حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

## اخراج ۱۵ هزار کارگر در گیلان

به گفته‌ی دبیر اجرای خانه کارگر گیلان، تنها در سال گذشته ۱۵ هزار نفر از کارگران شاغل در این استان اخراج و از کار بی‌کار شدند. از این تعداد ۸ هزار نفر بازخرید شدند، ۴ هزار نفر توسط مراجع حل اختلاف اخراج شدند و بیش از ۳ هزار کارگر قراردادی اخراج شدند. و این در حالی است که به گفته‌ی مقام یاد شده، نرخ بیکاری جمعیت فعال در گیلان یکی از بالاترین نرخ‌های بیکاری در میان استان‌های ایران، یعنی ۱۸ درصد است. وی که سخنان‌اش در روزنامه کار و کارگر ۴ مهرماه ۷۸، به چاپ رسیده، افزوده است که اکنون حقوق ۱۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه‌های استان، مانند نساجی شمال، ایران جیگا، تن‌ساز، گفش گنجه، شرکت گیلان، ماکارونی‌سازی نفمه، رنگ‌سازی سراوان و جوراب گیلانی از ۲ تا ۲۴ ماه پرداخت نشده است. و در حال حاضر بیش از ۲۵ هزار کارگر شرکت‌های خدماتی در استان گیلان، از حداقل حقوق کارگری بی‌بهره‌اند.

## کارگران نساجی به جای حقوق معوقه خود پارچه دریافت می‌کنند

روزنامه همشهری ۳۰ شهریور ۷۸، در گزارشی از وضعیت بحرانی صنعت نساجی در ایران نوشته است که کارگران کارخانه‌های نساجی به جای حقوق معوقه ده ماهه خود، پارچه دریافت می‌کنند! در گزارش روزنامه همشهری آمده است که، طی سال‌های اخیر خصوصاً سه سال گذشته، بیش از ۶۰۰ واحد نساجی به دلیل کمبود نقدینگی، واردات بی‌رویه پارچه توسط سازمان‌های مختلف، عدم تخصص ارز، استهلاک ماشین‌آلات و اختلاف نهادها بر سر مالکیت برخی از کارخانه‌ها که شامل کارخانه‌های نساجی نیز می‌شود، تعطیل شدند. در حال حاضر بنا بر پاره‌ای آمار، بیش از ۵ هزار کارخانه نساجی در کشور وجود دارد که به طور متوسط عمری بیش از ۳۰ سال دارند. این کارخانه‌ها نه تنها سوددهی خود را به دلایل فوق از دست داده‌اند، بلکه زیان انباشته آن‌ها به حدی است که ادامه فعالیت آن‌ها، توجیه اقتصادی نداشته و موجبات تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری کارگران را فراهم ساخته است.

## تجمع اعتراضی کشاورزان کلاله

گروهی از کشاورزان بخش کلاله در اعتراض به نحوه توزیع کودشیمیایی، عدم رعایت نوبت دریافت، کاهش میزان توزیع کود نسبت به سال‌های گذشته و فروش کودشیمیایی در بازار آزاد توسط سودجویان، در روز سه شنبه ۲۷ مهرماه ۷۸ در مرکز خدمات کشاورزی تجمع کرده و دست به اعتراض زدند.